

آشنائی با قرآن ۲۱

وعدہ خداوند: خداوند در آیه ۵۵ نور سوره ۲۴ میفرماید:

وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ،

اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ إِنَّ رَبَّكَ لَمَنَّانٌ رَبُّكَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

لَيَسْخَلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخَلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ .

اگر آنها را در زمین جانشین قدرت دیگران میکند همانطوری که قبلی را جانشین کرده بود

وَلَيَمْلِكُنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ ،

وَدِينٌ كَذَلِكَ كُنَّا نَبْدِيهِمْ وَأَنَّا نَبْدِي لَكُمْ دِينَكُمْ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

وَلَيَبْدِيَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حُوفِهِمْ أَمْنًا .

وَتَرْتَمِينَ رَأْسَهُ بِرِجْلِهِ مِنَ الْجَهَنَّمَ وَاللَّهُ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

مسلمان واقعی یعنی کسی که تسلیم نظر و حکم خدا است میداند که خداوند وعده دروغ نمیدهد. چون قرآن در آیه ۸۷ و ۱۲۲ ن و سوره هم میفرماید:

«چه کسی از خداوند را تنگتر است؟» آیه ۴۷ حج سوره ۲۲ آیه ۶ روم سوره ۲۰ میفرماید: «خداوند خلف وعده نمیکند.»

دلی همانطور که می بینیم این وعده در مقابل دو شرط است: یکی ایمان و یکی عمل صالح یعنی «کار درست و صحیح دنیا» اگر مسلمان واقعی

مسلمان باشد یعنی تسلیم حکم و نظر خداوند باشد و به خدا و آخرت ایمان واقعی داشته باشد و بدانند مسئول کارهای خود میباشد و بحساب کارهای آنها

بطور دقیق رسیدگی میشود و کوچکترین کارشان حساب می آید و با مال و جانان در راه خداوند در خشن یک دنیا می پاک که در آن اثری از

ظلم و فساد و فقر و جهل و خرد شدن شخصیت انسان نباشد و انسان دیگران را برادر خود بدانند نه برده و ارباب خود. و در کیوان را با حکمت بصیرت

دیدند و اندرز نیکو به راه خداوند دعوت کنند و با آنها بهترین روش بحث و گفتگو کنند و با آنها بفرمانند که خشن چنین دنیا کی به نفع تمام افراد بشر است

و تمام ادیان چنین چیزی را میگویند و برای خشن چنین دنیا کی از خشنه و فقره است بردارند چون توانی آهین مبارزه کنند و وعده خدا حتمی است

اِتِّعَالُ : کلماتی که بر این وزن باشند مصدر هستند و مصدر با اسم هستند چون نه زمان در آن وجود دارد نه شخص کننده
 ماضی این باب بر وزن **اِتِّعَلُ** می آید مثل **اِخْتَلَفَ** ختلاف پیدا کرد. چهار ختلاف شد **اِخْتَلَفُوا** ختلاف پیدا کردند. چهار ختلاف شدند
 مضارع این باب بر وزن **يَتَّعِلُ** می باشد مثل **يَخْتَلِفُونَ** ختلاف دارند. **اِخْتَلَفُوا** ختلاف دارند
 اسم فاعل آن همانطور که می بینیم از مضارع گرفته میشود به این ترتیب که «ای» را بر می آورند و یکای آن «ه» میگذارند مثل **مَخْتَلِفٌ**
 باب اِتِّعَالُ بیشتر اوقات فعل لازم میزند مثلاً **هَدَى** که هدایت کرد و هدایت میکند میباشد در باب اِتِّعَالُ میشود **اهْتَدَى**
 هدایت شده بهتدی هدایت میشود
 شما معنی کنید :

اِنْ اِهْتَدَيْتُمْ فَمَا يَرْجِي الْاِيُّ رَبِّي
 اَوْ لَوْ كَانَ اَبَاؤُهُمْ لَيَعْمَلُونَ سُبْحًا وَا لَا يَهْتَدُونَ
 فَاِنْ اَمْتُوا فَاِنَّ اللّٰهَ عَفُوٌّ رَحِيْمٌ
 اِنْ يَنْتَهَوْا لَيَغْفِرْ لَهُمْ مَا سَلَفَ
 لِرِجَالٍ تَصِيفُ مِمَّا اَلْتَبِعُوا
 اَخْرَجَاهُ مِنَ الْمَدِيْنَةِ نَحْلَقًا الْوَاوَهُ
 مَا اَخْتَلَفْتُمْ فِيْهِ مِنْ شَيْءٍ فَحَمْدُهُ اِلَى اللّٰهِ

اِنْ اَسَأَلُوْا فَقَدْ اِهْتَدَوْا
 مَا لَنَا بِنَهْدِيْكُمْ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ
 مِنْ اِهْتَدَيْتُمْ فَاِنَّمَا يَهْتَدِيْ لِنَفْسِهِ
 لِيَنْ لَمْ يَنْتَهَ لَتَذَرْنِيْ مِنَ الْمُعْرِضِيْنَ
 كَمَا مَا لَسْتِ وَعَلَيْهَا مَا لَسْتِ
 لَا تَذَرْنِيْ كَالَّذِيْنَ نَفَرْتُمْ وَا اَخْلَفْتُمْ
 لِيُبَيِّنَ لَكُمْ الَّذِيْ يَخْتَلِفُونَ فِيْهِ
 اَصَابَهَا اَعْيَابٌ مِنْهَا نَارٌ كَا حَمْرٍ وَا ت

تَفَعُّلُ : کلماتی که بر این وزن باشند بیشتر فعل لازم را نشان میدهد یعنی مفعول ندارد

ماضی این باب بر وزن **تَفَعَّلَ** می آید و مضارع آن بر وزن **تَفَعَّلُ** می آید و اسم فاعل آن بر وزن **تَفَعَّلَ** می آید
 شما معنی کنید :

لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيْلَ فَتَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيْلِهِ
 لَتَرْسَأَنَّ اللّٰهُ مَا اَفْتَلْتُمْ
 اِنَّ الَّذِيْنَ يَفْتَرُوْنَ عَلٰى اللّٰهِ الْكُذِبَ لَيُنْفَكْنَ
 اَمْرًا اَلْتَرْتَمُوْهَا
 اَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتٰبَ وَ الْمِيزَانَ

وَ اَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِيْعًا وَا لَا تَفَرَّقُوا
 اَقْبِرُوا الدِّيْنَ وَا لَا تَتَفَرَّقُوا فِيْهِ
 كَانَ اللّٰهُ يَحْكُمُ كُلَّ شَيْءٍ مَّقْدِرًا
 عَسَى اَنْ يَكُوْنَ قَدًا قَرِيْبًا اَجْلُهُمْ
 مِنْهُمْ اَمَهُ مَقْصِدًا

ترتیب سوره ها: ۲۶- شعرا ۲۷- نمل ۲۸- قصص ۲۹- عنکبوت ۳۰- روم ۳۱

آشنائی با قرآن ۲۲

مجازات افراد فاسد: خداوند در آیه ۳۳ مائده سوره ۵ میفرماید:

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُجَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا

مجازات کسانی که با الله (خدا) در روش می‌کنند و در زمین سعی و کوشش میکنند،

أَنْ يُقْتَلُوا، أَوْ يُصَلَّبُوا، أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ، أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ.

فقط این است که کشته یا بدار زده شوند، یا دست و پایشان بخلاف هم بریده، یا تبعید شوند.

مسلمان واقعی میدانند که این با مثل هم و یک نیستند و در هیچ اجتماعی درگذشته و حال این با یک نوع معصومات بزرگ نشده اند و نمی‌شوند و نخواهند شد. چون میدانند امکان ندارد در فقر در جهان وجود داشته باشند که هر چه این دیده و شنیده و خوانده و بوییده و چشیده و لمس کرده و فکر و تصور کرده درست بدون کوچکترین کم و زیادگی دیگری بهم همان را دیده و شنیده و خوانده و بوییده و چشیده و لمس کرده و فکر و تصور کرده باشد. هر آدم عاقلی هم این را میدانند. مسلمان میدانند حرفها و دیده و دیگر چیزهایی که بوسید و حواس درک شده در آن با تاثیرهای متفاوتی میگذارد. از طرف دیگر مسلمان واقعی میدانند که شیطان در آیه ۳۹ و ۴۰ صحر سوره ۵۱ خدا را گفت: «کارهای زشت را در نظر آن با زیاده می‌دهم، در همه آنها را - بجز نیکوکان خالص تو - فریب میدهم و گمراه میکنم». لذا در دنیا بندگان شیطان و هوای نفس که میده دل و دنگواه خود هستند و برای دینا حق قابل نیستند زیادند. طاعت و طاعت و فرعون و فرعون که خود را ارباب و صاحب اختیار مردم میدانند در تمام اجتماعات بشری وجود دارد.

میدانیم که منظور از جنگ با خدا این نیست که با توپ و تانک به سر زمین خدا حمله شود بلکه منظور از آن جنگ با هدف خداوند یعنی جنگ و ضدیت با خشن یک دنیای پاک است که در آن اثری از ظلم و فقر و جهل و فرود شدن آن با نباشد و منظور از جنگ با رسول ص (دولت جنگ من است) با او نیست بلکه منظور از جنگ با رسول جنگ با هدف رسول یعنی ضدیت با خشن یک دنیای پاک و هدف در این است که آیه بیان میکند.

مسلمان واقعی با بیدار کردن دیگران و معرفی دین واقعی و هدف واقعی دین افراد را به خشن چنین دنیایی دعوت میکند تا همگی با جان و مال و تن و راه مبارزه کنند و نیروی لازم را برای خشن یک دنیای پاک و مجازات کسانی که باعث آلودگی اجتماع میشوند فراهم کنند.

باب استعمال یکی از باب های مزید که چند حرف بر ۳ حرف معمولی افعال اضافه شده باب تفعیل است. این باب خواندن و طهیر کردن را میزند
 ماضی این باب بروزن اِسْتَفْعَلَ می آید مثل اِسْتَفْعَمْتُ پرورد (طوب فهم کرد) مضارع این باب بروزن اِسْتَفْعِلُ می آید مثل اِسْتَفْعِدْ.
 امر آن بروزن اِسْتَفْعِلْ می آید مثل اِسْتَفْعِدْ و اسم فاعل آن بروزن مُسْتَفْعِلٌ می آید مثل مُسْتَفْعِلٌ (مستفعل کننده)
 حالا معنی کنید:

اِسْتَدْعَى	مُسْتَدْعَى (که مستدعی بوده)	اِسْتَدْعَى (که مستدعی میشود)
اِسْتَحْفَظُونَ	مُسْتَحْفَظُونَ	اِسْتَحْفَظُوا
اِسْتَأْذِنُوا	مُسْتَأْذِنُونَ (مستأذنان بوده)	اِسْتَأْذِنُوا
اِسْتَحْكَمُوا	مُسْتَحْكَمُونَ	اِسْتَحْكَمُوا
مُسْتَعْمَلٌ	اِسْتَعْمَلَ	مُسْتَعْمَلٌ
اِسْتَخْرَجُونَ	مُسْتَخْرَجُونَ	اِسْتَخْرَجُوا

باب اِنْفَعَال این باب حالت پذیرفتن فعل را دارد یعنی فعل لازم است
 ماضی آن بروزن اِنْفَعَلَ می آید مثل اِنْفَعَسْتُ و مضارع آن بروزن اِنْفَعِلُ می آید مثل اِنْفَعِسْ
 امر آن بروزن اِنْفَعِلْ می آید مثل اِنْفَعِدْ و اسم فاعل آن بروزن مِنْفَعِلٌ می آید مثل مِنْفَعِدْ
 این ها را معنی کنید:

اِنْفَعَسُوا	مِنْفَعِسُونَ	اِنْفَعَسُوا
اِنْفَعَسُوا	مِنْفَعَسُونَ	اِنْفَعَسُوا
اِسْتَرْحَمُوا	مُسْتَرْحِمُونَ	اِسْتَرْحَمُوا
اِسْتَرْحَمُوا	مُسْتَرْحِمُونَ	اِسْتَرْحَمُوا

مسلمانان خیالی: خداوند در آیه ۶۰ نساء سوره ۴ میفرماید:

تَرَىٰ دِينًا - أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نَزَّلَ إِلَيْكَ وَمَا نَزَّلَ مِن قَبْلِكَ؟

تو چه کردی ای ای که خیال میکنی که به آنچه به تو نازل شده (یعنی قرآن) و آنچه قبل از تو نازل شده ایمان دارند ندیدی؟

يُرِيدُونَ أَن يُتَّخَذُوا إِلَى الطَّاغُوتِ، وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهَا.

میخواهند طغوت را داور قرار دهند، در صورتیکه به آنها دستور داده شده که طغوت را قبول نداشته باشند.

طغوت یعنی طغیانگر. منظور از طغوت هر کس و هر دسته در هر زمانی است که در مقابل خداوند طغیان کند و دستور و نظری بر ضد ف دستور و نظر خداوند بداند. و انتظار داشته باشد که مردم بدون چون و چرا از دستور و نظر او پیروی کنند. اگر مقصود معنی درست طغوت شده باشد میماند که طغوت در برابر کسی است چه بصورت فرعون باشد که خداوند در آیه ۲۴ تا ۲۷ نجات سوره ۷۹ میفرماید: «قَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ» «گفت من صاحب اختیار برتر شما هستم» من بالاترین صاحب اختیار شما هستم. چون آیه ۷۷ آن میفرماید: «إِنَّهُ طَغَىٰ» «فرعون طغیان کرد» طغوت شد. هر کس بی ذاتا و طبیعتا یک طغوت است و میخواهد بر کاری که خواست میکند دستور دهد که داد بدون چون و چرا اجرا شود. چون خداوند در آیه ۶۷ و ۷۰ علق سوره ۹۶ میفرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاطِئٌ» «آن دغی خود را بی نیاز بیند همان طغیان میکند» اخبار و رهبان (دانشندان دینی در راهدان تا کربنیا) نیز از باب و صاحب اختیار مردم شده اند و دستور و نظر دارند (دیگران بدون چون و چرا از دستور و نظرشان پیروی کنند و مردم پیروی میکنند. آیه ۳۱ توبه سوره ۹ را ببینید. شکر نفس (ترجمندان) نیز میخواهند دیگران بدون چون و چرا از نظر و دستورشان پیروی کنند. چون خود را بی نیازی پندارند. استثناء در این موارد بسیار کم است.

اما مردم جاهل و بی اطلاع از حقیقت دین یعنی مسلمان و دینداران خیالی که ادعا میکنند که دین دارند و از وحی و کتاب الهی پیروی میکنند، عمل می بینند که بجای پیروی از کتاب الهی و سنت دین به حرفهای دیگران و کتابهای دیگران که از قول بزرگان دین نوشته اند و به شعر شعرا و فلسفه فلسفیان استناد میکنند و میگویند فلان آن چنین است. در فلان کتاب چنین نوشته و فلان شاعر چنین میگوید.

ما (اینکار را) کردیم.	۱ نَا	ت من (اینکار را) کردم.	۲ تِ	ماضی گذشته
شما (اینکار را) کردید.	۲ تُم	تو (اینکار را) کردی.	۳ تِ	
آنها (اینکار را) کردند.	۳ وَا	او (اینکار را) کرد.	۴ تِ	

اگر این حروف را از فعل بر داریم معنی کار که ما می‌کردیم می‌شود. البته حرکات آن را هم باید بر داریم و باقی‌مانده را بجا نینیم مثل:

نَظَرْتُ که با برداشتن ت حرکات نظر باقی می‌ماند و معنی فعل می‌شود: «نگاه کردم. نظر کردم.» سَمِعْتُ که با برداشتن ت حرکات

سمع معنی شنیدن باقی می‌ماند و معنی فعل می‌شود: «شنیدم.» صَبَرْتُ که با برداشتن حرکات و ت صبر باقی می‌ماند یعنی «صبر کردن»

كَسَبْتُ که با برداشتن ت حرکات کسب باقی می‌ماند که معنی کسب می‌شود: «کسب کردی.» فَتَحْنَا که با برداشتن نا و حرکات فتح باقی می‌ماند

که معنی فتحن می‌شود: «فتح کردیم. باز کردیم.» ظَلَمُوا که با برداشتن و ا و حرکات ظلم باقی می‌ماند و معنی ظلم می‌شود: «ظلم کردند.»

حالا شما معنی کنید:

أَخَذُوا (أَخَذَ: گرفتن) اَخَذْنَا اَخَذْتُمْ اَخَذْتُ اَخَذْتُمْ اَخَذْتُ اَخَذْتُمْ اَخَذْتُ اَخَذْتُمْ اَخَذْتُ اَخَذْتُمْ

أَكَلُوا (أَكَلَ: خوردن) اَكَلْنَا اَكَلْتُمْ اَكَلْتُ اَكَلْتُمْ اَكَلْتُ اَكَلْتُمْ اَكَلْتُ اَكَلْتُمْ اَكَلْتُ اَكَلْتُمْ

حَسِبْتُ (حَسَبَ: حساب کرد) حَسِبْنَا حَسِبْتُمْ حَسِبْتُ حَسِبْتُمْ حَسِبْتُ حَسِبْتُمْ حَسِبْتُ حَسِبْتُمْ حَسِبْتُ حَسِبْتُمْ

أَمَرْتُ (أَمَرَ: امر کرد) أَمَرْنَا أَمَرْتُمْ أَمَرْتُ أَمَرْتُمْ أَمَرْتُ أَمَرْتُمْ أَمَرْتُ أَمَرْتُمْ أَمَرْتُ أَمَرْتُمْ

عَبَدْتُ (عَبَدَ: عبادت کرد) عَبَدْنَا عَبَدْتُمْ عَبَدْتُ عَبَدْتُمْ عَبَدْتُ عَبَدْتُمْ عَبَدْتُ عَبَدْتُمْ عَبَدْتُ عَبَدْتُمْ

أَمِنُوا (أَمِنَ: ایمن آوردن) أَمِنْنَا أَمِنْتُمْ أَمِنْتُ أَمِنْتُمْ أَمِنْتُ أَمِنْتُمْ أَمِنْتُ أَمِنْتُمْ أَمِنْتُ أَمِنْتُمْ

كَفَرْتُ (كَفَرَ: کفر ورزید) كَفَرْنَا كَفَرْتُمْ كَفَرْتُ كَفَرْتُمْ كَفَرْتُ كَفَرْتُمْ كَفَرْتُ كَفَرْتُمْ كَفَرْتُ كَفَرْتُمْ

عَلَّمْنَا (عَلَّمَ: یاد داد) عَلَّمْتُمْ عَلَّمْتُ عَلَّمْتُ عَلَّمْتُمْ عَلَّمْتُ عَلَّمْتُمْ عَلَّمْتُ عَلَّمْتُمْ عَلَّمْتُ عَلَّمْتُمْ

شَكَرُوا (شَكَرَ: شکر کرد) شَكَرْنَا شَكَرْتُمْ شَكَرْتُ شَكَرْتُمْ شَكَرْتُ شَكَرْتُمْ شَكَرْتُ شَكَرْتُمْ شَكَرْتُ شَكَرْتُمْ

آشنائی با قرآن ۲۴

ایمان ببعض : خداوند در آیه ۸۵ بقره سوره ۲ میفرماید:

أَقْمُوا مِنُوكَ بِبَعْضِ الْكُتَابِ وَكَلْفُونَ بِبَعْضٍ؟

آیا بقتمی از کتاب ایمان می آورید و قتمی را قبول ندارید؟

خری = خاری

فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

مجازات کفنی از شما که چنین کاری بکنید در زندگی دنیا خوارگی است.

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَرُدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ.

و روز قیامت چهار شد بدترین عذاب بشوند.

مومن و مسلمان واقعی که به خدا (الله) و روز قیامت ایمان دارد و تسلیم حکم خداوند است این آیه را مثل آیات دیگر قرآن قبول دارد و به معنی آن ایمان کامل دارد و میدانند خداوند دروغ نمیگوید و خداوند دین خالص را قبول دارد و هیچ شرکی را در قانون گذاری خود قبول ندارد. همانطور که آیه ۳۳ زمر سوره ۳۹ میفرماید: **أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ** «بدانند که دین خالص (بدون خالت هیچکس و هیچ چیز دیگر) مال الله (خدا) است.» و دینی که کس با چیز دیگری در آن خالت داشته باشد قبول ندارد. آیه ۲۶ کهف سوره ۱۸ میفرماید: **لَا تُشْرِكْ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا** «خدا هیچکس را در حکم (فرمان و قانون) خود شریک نمیکند.» ایمان ببعض کتاب و کفر ببعض یعنی قتمی را قبول داشتن و قتمی را قبول نداشتن پیش خداوند کفر است نه ایمان. چون مسلمان و مومن واقعی کسی است که خداوند را خالق جهان میداند و قوانینی که در جهان وجود دارد قوانینی میداند که خداوند در دل طبیعت گذاشته و مثبت یعنی خوات خداوند این بوده که جهان با این قوانین طبیعی ختم شود لذا از قوانین جهان اطوع کامل دارد و طبیعت این دنیا را همانی که در این قوانین است رعایت میکند (قانون گذاری) میکند با علم و آگاهی کامل از این قوانین و این نیازها است و شتابی در آن وجود ندارد. اگر چیزی از این قوانین دینی را درک نمیکند قتمی ببعض بودن دانش شرکی است. البته با کتب و اباطر یا فنی قرآن مسلمان واقعی گوید که قرآن ختم است مردم میسوار عربستان نبوده است.

مضارع؛ مضارع فعلی است که بر حال و آینده دلالت میکند مثل:

من	أَعْبُدُ	عبادت میکنم
تو	تَعْبُدُ	عبادت میکنی
او	يَعْبُدُ	عبادت میکند
ما	نَعْبُدُ	عبادت میکنیم
شما	تَعْبُدُونَ	عبادت میکنید
ایشان	يَعْبُدُونَ	عبادت میکنند

با برداشتن حرف اول فعل و وَنَ از آخر فعل معنی فعل یعنی کاری که انجام میشود معلوم میشود.

حالا شما معنی کنید.

يَكْتَسِبُونَ كَسَبًا يَكْتَسِبُونَ كَسَبًا يَكْتَسِبُونَ كَسَبًا يَكْتَسِبُونَ كَسَبًا يَكْتَسِبُونَ كَسَبًا
 يَرْجِعُ رَجْعًا يَرْجِعُونَ رَجْعًا يَرْجِعُونَ رَجْعًا يَرْجِعُونَ رَجْعًا يَرْجِعُونَ رَجْعًا
 يَقُولُ قَوْلًا يَقُولُونَ قَوْلًا يَقُولُونَ قَوْلًا يَقُولُونَ قَوْلًا يَقُولُونَ قَوْلًا
 يَدْخُلُونَ دَخْلًا يَدْخُلُونَ دَخْلًا يَدْخُلُونَ دَخْلًا يَدْخُلُونَ دَخْلًا يَدْخُلُونَ دَخْلًا
 يَصْبِرُونَ صَبْرًا يَصْبِرُونَ صَبْرًا يَصْبِرُونَ صَبْرًا يَصْبِرُونَ صَبْرًا يَصْبِرُونَ صَبْرًا
 يَسْمَعُونَ سَمْعًا يَسْمَعُونَ سَمْعًا يَسْمَعُونَ سَمْعًا يَسْمَعُونَ سَمْعًا يَسْمَعُونَ سَمْعًا
 يَظْلِمُونَ ظُلْمًا يَظْلِمُونَ ظُلْمًا يَظْلِمُونَ ظُلْمًا يَظْلِمُونَ ظُلْمًا يَظْلِمُونَ ظُلْمًا
 يَخْلُقُونَ خَلْقًا يَخْلُقُونَ خَلْقًا يَخْلُقُونَ خَلْقًا يَخْلُقُونَ خَلْقًا يَخْلُقُونَ خَلْقًا
 يَشْهَدُونَ شَهَادَةً يَشْهَدُونَ شَهَادَةً يَشْهَدُونَ شَهَادَةً يَشْهَدُونَ شَهَادَةً يَشْهَدُونَ شَهَادَةً
 يَعْلَمُونَ عِلْمًا يَعْلَمُونَ عِلْمًا يَعْلَمُونَ عِلْمًا يَعْلَمُونَ عِلْمًا يَعْلَمُونَ عِلْمًا
 يَكْذِبُونَ كَذِبًا يَكْذِبُونَ كَذِبًا يَكْذِبُونَ كَذِبًا يَكْذِبُونَ كَذِبًا يَكْذِبُونَ كَذِبًا
 يَنْزِلُونَ نَزْلًا يَنْزِلُونَ نَزْلًا يَنْزِلُونَ نَزْلًا يَنْزِلُونَ نَزْلًا يَنْزِلُونَ نَزْلًا

آشنائی با قرآن ۲۶

دین خداوند : خداوند در آیه ۱۳ شوری سوره ۴۲ میفرماید :

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا، وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ،

خداوند برای شما از دین همان چیزی را قانون گذاری کرده که نوح را به آن سفارش کرد و همان چیزی است که بتو وحی کردم

وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقْبِلُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ.

و ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش کردم که دین را اجراء کنند در دین چه تفرقه نشود.

می بینیم که در این آیه خداوند متعال میفرماید همه پیغمبران را به یک چیز سفارش کردم و آن این است که دین را اجراء کنند در دین چه تفرقه نشود. چون قانونی که برای همه آنها گذارنده شد یکی است و همه برای یک هدف آمده اند همه آمده اند تا دنیائی پاک بسازند دنیائی پاک از ظلم و فساد و فقر و جهل و خرد شدن شخصیت انسان با دلی حکومت که قدرت داشته بدست «یک عده مزدور و راه پرست که مورد ارادت مردم بودند فکر واقع بینی و حقیقت شناسی را از مغزها برداشته و با تزریق و تلقین یک بسته افکار است و دواهی دبی اثر سرگرمشان نمودند» و مردم را از هدف اصلی دین که خوش بینی پاک است منحرف کردند. ننگ بر جهل و فریبکاری.

خبریات دینی : خداوند در آیه ۴۸ مائده سوره ۵ میفرماید :

لِكُلِّ جَبَلٍ مِّنْكُمْ شَرْعَةٌ وَمِنَآجِبَا، وَكَوْنُوا لِلَّهِ جَمْعًا وَاحِدَةً

برای هر یک از شما (بهدان و سیمان مسلمانان) راه دینی قرار داریم. اگر الله (خدا) بخوات شما امت واحدی است

وَلَكِن لِّبَلَّغْكُمْ فِيمَا آتَيْتُمْ، فَاسْتَقُوا الْحَيَاتِ.

دلی بخوات شما را با همان چیزی که بشما داده ایم همان کند. بنا بر این در کارهای خیر ما هم سبقت دهید.

با توجه به آیات ۴۴ تا ۴۸ مائده می بینیم که خداوند می خواهد آن را با همان کتابی که خود مردم اعجاب میکنند که کتاب مقدس دینی آنها و وحی الهی است همان کند. که شما سفاهت هیچ رستاری را از این معیار دینداری از کتاب دینی خود پیروی نمیکنند و با اسمی دل خود را خوش میکنند و بر سر این اسم ایمان هم می افکنند و از حقن یک دنیا پاک غافل میمانند. در صورتیکه همه پیغمبران را خداوند برای این فرستاده «که مردم عادل باشند» و «در فی غیر از اصلاح اجتماع باشند»

معنی کنید و علمت حرکت آخر حرفی کہ با علمت مشخص شدہ بنویسید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

کُلُوا مِنْ الطَّيِّبَاتِ

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ

لِيَقْرَأَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

وَأَكْلُوا صَالِحًا

مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

الکافرین برابر اللہ خبرہ

لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

لَقَدْ سَبَّحْنَا الْقُرْآنَ لِلذَّكْرِ

إِذَا دُعِيَ لِلْحَمْدِ لَرَبِّهِمْ وَأَذُنًا لِقَوْلِهِ إِتَابًا

إِنْ تَطِيعِ الَّذِينَ فِي الْأَرْضِ نَضَلُّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا لَطْفًا

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ سَادَةً وَأَكْرَبًا

يَوْمَ تَعْلَبُ وَجْهَهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

فِي أَمْوَالِهِمْ حَقَّ مَعَدُومٍ لِلنَّسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ

وَأُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

تَمَّ لِمَنْ يَأْتِي

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

لَا تَلْمِزُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ

إِنْ يَجِدُوا لَنَا بِرَمَانَهُمْ عَنَّا نَفْعُ عَنَّا سِنَانًا

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ آخِرَةٌ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ السَّيِّئِينَ وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَلْمِزُونَ

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَعْرُوفِ الْحَسَنَةِ

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ

صاحف

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ

رَبِّ عَالَمِينَ لَئِنْ لَمْ يَنْزِلْ بِهِ الْوَحْيُ لَفُتِنُوا بِهِ لَوْلَا إِسْرَافُ مَا كَانُوا يَفْقَهُونَ

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ

لَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ فَوْقَ حُدُودِهِ وَاصْلُوا كَيْدًا وَاصْلُوا صَوَابَ السَّبِيلِ

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَإِنْ تَنَزَّعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ

آشنائی با قرآن ۲۷

عقیده مسلمان واقعی، خداوند در آیه ۱۳۶ بقره سوره میفرماید:

قُلُوا الْمَثَابَةَ لَهِ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَمَا أَنْزَلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ

بگوئید: ما به الله آنچه ما نازل شده (به قرآن) و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان یعقوب نازل شده

وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ الْقَبِيلُونَ مِنْ رَبِّهِمْ

و آنچه به موسی و عیسی داده شده (به تورات و انجیل) و آنچه به بنجران از جانب خداوندشان داده شده ایمان داریم

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

و بین هیچکدام آنها فرقی نمیگذاریم

بن دتور خداوند و این عقیده مسلمان واقعی است و این چیزی است که مسلمان واقعی بگوید. چون این دتور خداوند است و مسلمان واقعی تسلیم حکم نظر خداوند

است چون خداوند در آیه ۱۳۶ بقره ۷ میفرماید: «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ». (از آنچه از جانب شما نازل

به شما نازل شده پیروی کنید. و از اولیائی غیر از آن پیروی نکنید.) آیه ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ مائده سوره ۵ میفرماید: «مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ

هُمْ الْكَافِرُونَ». (کسانی که مطبق آنچه خدا (الله) نازل کرده (کتاب الهی) حکم نکنند کافرند... فاسقند...) و در آیه ۴۴ و ۴۵ مائده میفرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ. «تورات را ما نازل کردیم در تورات هدایت و نور وجود دارد.» آیتناهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ.

عیسی انجیل را دادیم در انجیل هدایت و نور وجود دارد. این نظر قرآن درباره تورات و انجیل است. خداوند در آیه ۴۳ مائده میفرماید: «كَيْفَ يَحْكُمُ لَكَ وَ

عندهم التوریه فیها حکم الله». (چطور میوایان تورا دادیم پس از در صورتیکه تورات پیش آنهاست. حکم خداوند (الله) در تورات وجود دارد.) و در آیه

۴۷ مائده میفرماید: «وَلْيَحْكُمِ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ». (باید مسیحیان (عیسویان) مطبق آنچه خداوند (الله) در انجیل نازل کرده حکم کنند.) و

مدر اینم خداوند توری که قابل اجراست و عقیده بد. خداوند در آیه ۴۸ مائده میفرماید: «أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ

الْكِتَابِ». «در قرآن را بحق تو نازل کردیم. قرآنی که مصدق (تصدیق کننده) تورات و انجیل است که قبل از آن بوده. مسلمان واقعی نظر قرآن را قبول دارد

اسباط فرزندان

معنی کیند و علت حرکت حرفی کہ با علامت مشخص شدہ ہو گیا

فافر داما یسر من القرآن

اتبعوا ما انزل الیکم من ربکم ولا تتبعوا من دونه اولیاء

لا تقفوا فی الارض

لقد یسرنا القرآن للذکر

اولادہ یرون القرآن

الا لنعبد الا الله

تعالوا الی کلیمہ ربوا بیننا و بینکم

قل یا اهل الکتاب

لا تقف ما لیس بکم علم

ولا تتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله

ولا تشرك به شیئا

ان الذی یجب الذین یقاتون فی سبیلہ صفا کا نہم بنیان مرصوص و شرحی

انما الصدقات للفقراء والمساکین

ان اللہ لا یغیر ما بعثکم حتی یغیروا ما بانفسہم

لقد کان فی قصصہم عبرة لاولی الابصار

قل هذه سبیلی ادعوا الی اللہ علی بصیرة انما من اتبعنی

اصیال

لا تجعل فی قلوبہ غلا للذین امنوا

زین الناس حب الشهوات من النساء والبنین

لا تعذوا فی دینکم غیر الحق

ولکن منکم امۃ یدعون الی الخیر و یردون بالمعروف و ینہون عن المنکر

ان ائبع الایادی الی

کنتم خیر امۃ اخرجت للناس یردون بالمعروف و ینہون عن المنکر

فدا = گروہ کتہ

کم من قبیۃ قلیلۃ جعلت فیہ کثیرۃ

لا تنہوا ولا تحزنوا و انتم الاعوان ان کنتم مؤمنین

اعدوا لهم ما تطغتم من قوۃ

لا یزالون یقاتونکم حتی یردکم عن دینکم ان استطعوا

لیستخلفنہم فی الارض كما استخلف الذین من قبہم

و بعد اللہ الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات

ان یقتدوا بالصیبر

و یسعون فی الارض فسادا

انما جزاء الذین یکافرون اللہ ورسولہ

الم تر الی الذین یزعمون انہم امنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبک

و قد احروا ان یکفروا بہ

یریدون ان ینجا کما الی الطاغوت

فما جزاء من یفعل ذلک منکم الا خزی فی الجورۃ الدنیا

افتمنون ببعض الکتاب تکفرون ببعض

خبر = خاری

بندار واقعی: خداوند در آیه ۶۸ مائده سوره ۵ میفرماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْمُ عَلَيَّ شَيْءٌ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ

بگو ای اهل کتاب تا مطابقت تورات و انجیل و آنچه از طرف حق نازل شده عمل نکنید دین ندرید.

هر کس مطابق این آیه توجه بشود کسی دیدار نیست مگر اینکه مطابق کتاب الهی رفتار کند. کتابی که خودش آن را کتاب مقدس و الهی خود و وحی خداوند میداند. نه عرفانی که دیگران بنام دین میزنند. همانطور که آیه ۳۳ سوره ۷ میفرماید: **اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ**. «از آنچه از طرف حق اختیار مان به شما نازل شده پیروی کنید. و از اولیائی غیر از آن پیروی نکنید.» آیه کاملاً صحیح و روشن است و جای هیچ بحثی باقی نمیزد. و همانطور که آیه ۴۴ مائده میفرماید: **مَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ**. «کسی که مطابق آنچه الله (خداوند) نازل کرده حکم نکند کافرند.»

ابتدای تمام باب‌های لایان میگوید: «خداوند مومنی را خطاب کرده گفت:» غیر از باب ۹ و ۱۰ آن. البته بعضی باب‌ها از راه باب قبل از خود میآید و در بعضی از باب‌ها کلمه «هارون» هم اضافه شده. بحسب مبحث عید السهم در شماره ۲۴: ۱۴۰۲ (بوخا میفرماید: «کلامی که میشود از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.» شماره ۴۹: ۱۲ و ۱۵: ۱۵ و ۱۴: ۱۷ انجیل بوخار هم ببینید. ۷۸ بار آمده که ۶۸ بار آن وحی پیغمبر است. **مَّا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ** همین را میگوید. خداوند در دنباله آیه ۶۸ مائده میفرماید:

وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَلَا يَأْمُرُ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

بدلاً این حقیقتی که از صاحب اختیار تو نازل شده بر طغیان و کفر عده زیادی از آنها اضافه میکند. بناظر افراد کافر غصه‌ای نخورد.

چون افراد طبیعتاً آنچه از خود می شنیدند و از بیشتر افراد جامعه خود شنیده اند و آدم های مشهور و اسم در اسم دار آنها را می شنیدند و از دستگی دارند و به این آس آبی از آن دل نمیکنند. همانطور که امروز هم این حقیقت را می بینیم. چون مردم معمولی میگویند آفتابان و زهرگان در جهان ما چنین میگویند. آیه ۶۶ اخزاب سوره ۳۳ و آیه ۱۶۶ و ۱۶۷ بقره را ببینید. آیه ۱۷۰ بقره میفرماید: **إِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَل لَّيْسَ بِكُنُوزِهِمْ إِلَّا مَا لَوْ كَانُوا يَعْقِلُونَ** «وقتی به آنها گفته شود از آنچه الله نازل کرده (کتاب الهی) پیروی کنید میگویند: ما از روشی که پدرانمان را بر آن باقیم پیروی میکنیم. اگر چه پدرانشان ذره ای عقل خود را بکار نینداخته و حقیقت را نشناخته باشند.»

معنی لکیند و عدت ابن عربیت و را بنویسید و باب ۴ می ثلاثی زید آن را تشخیص دهید.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

إِنَّا لَنَعْبُدُكَ يَا كَافِرِينَ

الذين يؤمنون بالغيب

يعقوبون الصلوة

و مما رزقناهم نيفقون

اولئك هم المغفلون

نظم الله على قلوبهم

امننا بالله وباليوم الاخر

انما نحن مُصَلِّون

لهم عذاب اليم

في قلوبهم مرضا

فزارهم الله مرضا

لا تفسدوا في الارض

انهم هم المفسدون

المنزلة من الناس

اؤتمن كما امن المستقام

انهم هم السفهاء

الله يستهزئ بهم

استوردوا الصدقة بالهدى

فما ربحت تجارتهم

ما كانوا مهتدين

استوقدنا ناراً

ارضاءت ما حوله

ذهب الله بقرهم

ان الله يحكى كل شي قدير

اعبدوا ربكم

لا تجعدهم الله اذاداً

ادعوا شهداءكم

من دون الله

ان كنتم صادقين

وقودها الناس والجماد

اعدت للكافرين

لهم فيها ازواج مطهرة

هم فيها خالدون

ما يفضل به الا الغاسقين

ينقصون عهد اليه

يقطعون ما ازر الله به

اولئك هم الخاسرون

كنتم امراً تاناً

هو كل شيء عظيم

قال ربك للذات

التي جاء على في الارض خيفة

عظم ادم الاسباء كلها

اسجدوا لادم

ازلها الشيطان

بعضكم لبعض عدو

لكم في الارض مستقر

انه هو التراب

اولئك اصحاب النار

هم فيها خالدون

لا تكونوا اول كافرين

لا تلبسوا الحق بالباطل

اتامرون الناس بالبر

لا تجزي نفس عن نفس شيئاً

لا يقبل منها شفاعت

لا يخدمونها عدو

في ذلكم بلاء من ربكم عظيم

انتم ظالمون

لن نؤمن لك

حتى نرى الله

اخذتكم الصاعقة

قد علم كل اناس شرهم

لن نصبر على طعام واحد

ضربت عليهم الذلة

يقتلون النبيين بغير حق

فلهم اجرهم عند ربهم

ضعيف = كم محفل

ضومح = رؤسناحي

ذهب به = برد

نر = مثل

انذار = شريك

خروج از يك جزئي = نازمان

نار = نيكى

آشنائی با قرآن ۳۰

قرآن و تورات، خداوند در آیه ۴۴ تا ۵۰ میفرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ

تورات را ما نازل کردیم، در آن هدایت و نور وجود دارد.

این نظر خداوند درباره تورات است و میفرماید در آن هدایت و نور وجود دارد. هدایت یعنی راهنمایی یعنی نشان دادن راه صحیح در میان راه های غلط. نور یعنی روشنائی یعنی در تورات روشنائی برای روشن کردن راه سعادت آن ها وجود دارد. همان صفاتی که برای قرآن در انجیل دیده میشود

يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّاتُّونَ وَالْأَخْيَارُ،

پیغمبران بنی اسرائیل و علمای و دانشمندان یهودی برای یهودیان مطابق آن حکم میکنند،

منظور از پیغمبران بنی اسرائیل پیغمبرانی مثل ایشیا، حزقیال، ارمیا، دانیال و دیگران است که کتابهای آن صمیمه تورات موسی و کتابهای دیگر عهد عتیق است.

بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءُ

چون از آنها خوانده شده بود که کتاب خدا را حفظ کنند، آنها هم مراقب آن بودند.

از آنها خوانده شده بود که مراقب باشند که احکام کتاب خدا حفظ شود و مردم مطابق دستور کتاب الهی (یعنی تورات) عمل کنند. چون مطابق شماره ۷ و ۳ و ۲۴ خروج تعهد کردند که احکام را با

حَسْبُ سُرِّي = فَرَسٌ فَلَا تُخْشَوْنَ النَّاسَ وَآخِشْتُمْ بِي، وَلَا تَشْتَرُوا بِأَيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا.

سُرِّي = فَرَسٌ

اِشْتَرَا = فَرَسٌ

از مردم نترسید. از من ترسید. آیات مرا با قیمت کمی نفروشتید

چون خداوند مطابق باب ۲۶ لایمان و ۲۸ تنبیه از کتاب عهد عتیق به بنی اسرائیل گفت: اگر احکام مرا به تمامی اجرا کنید شما را در دنیا مرفه میکنم. و اگر اجرا نکنید شما را سخت میکنم.

وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ.

کسی که مطابق آنچه خدا نازل کرده در کتاب الهی حکم نکند کافر میباشد.

تساویته یهودیان مثل تمام دینداران جهان روی طبیعت حیوانی آن و پیروی از هوای نفس در نگاه خود از کتاب الهی (از تورات) پیروی نکردند. و بنام یهودی دگوش بودند

آشنائی با قرآن ۳۱

راه درسم ها : خداوند در آیه ۴۸ مائده پس از اینکه در آیه ۴۴ و ۴۶ و ۴۸ مائده درباره تورات و انجیل و قرآن سخن میگوید میفرماید:

فَاَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا نَزَّلَ اللَّهُ، وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ،

بین آنها مطابق آنچه الله نازل کرده حکم کن و در باره حقی که برای تو آمده از آنچه خواه آنان پیروی نکن.

مسلمان واقعی مطابق آنچه این آیه و آیات دیگر قرآن مطابق آنچه الله نازل کرده یعنی مطابق کتاب الهی قضاوت و اظهار نظر میکند و از آنچه خواه مردم نادان خودخواه پیروی نمیکند.

منها ج = راه
روح

لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعةً وَمِنْهَا جَاءَ، وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً،

شرع = راه
شریعت = راه

برای هر یک از شما راه و رسم قرار دادیم، اگر الله بخواست شما را امت واحدی می ساخت.

خداوند در آیه ۱۳ ثوری سوره ۴ میفرماید: «خداوند برای شما از دین همان چیزی را نازل کرد که نوح و ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش کرده» و فرموده «دین را

اجرا کنید و در دین بجا نقره نشوید. ولی اینکار برای شما کسب سعادت است» (۱۰) و می بینیم که در این آیه درباره خیریات اجرایی در راه زمین بیان میفرماید: «برای هر یک از شما یهودیان و مسیحیان

و مسلمانان راه و رسم قرار دادیم» چون خیریات در دین خداوند هم نیست. چون خداوند در آیه ۳۱ سوره ۴ میفرماید: «اگر از آنگاه آن بزرگانی که از آن نمی شنیده اید خودداری کنید،

کتابان کوچک شما ندیده میگیریم و شمارا با احترام وارد بهشت میکنیم» ولی متأسفانه مقدس نمایی بی اطلاع از دین درباره مسائل بیگانه هم نموده اند که در کتاب الهی اثری از آن نمی بینند.

اَنَا = آمد اَنَا = آرد اَنَا = داد

وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِيْمَا اَنْتُمْ فَاَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ. اَت هَيِّوَتْ لِكُلِّه

ولی خداوند میخواهد شما را با آنچه به شما داده امتحان کند.

اگر آیه ۴۴ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ این سوره نگاه کنیم می بینیم که خداوند درباره تورات و انجیل و قرآن صحبت میکند و میفرماید هر کدام از یهودیان و مسیحیان یا مسلمانان باید مطابق آنچه خداوند در

کتاب الهی آنان وجود دارد حکم کنند. اگر مطابق آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند کافر و ظالم و فاسق هستند. و می بینیم در اینجا خداوند میفرماید: «من میخواهم» «شما را با آنچه به شما

داده ام» امتحان کنم. ولی متأسفانه هر سه سوره در این امتحان وارد شده است. چون هیچ کدام آنها از کتاب الهی خود پیروی نمیکنند بلکه از غیر الهی در جهانی نمایی دکاندار بنام دین گفته اند

پیروی میکنند. همانطور که عیسی مسیح در شماره ۳ و ۷ تا ۱۰: ۱۵ انجیل متی به یهودیان میفرماید: «شما نیز چرا با عقیده خود (از شیخ) از حکم خدا تجاوز میکنید؟» «پس با عقیده خود حکم خدا را

باطل نموده اید. ای ریاکاران! شما میگویند نوحه است که گفت: این قوم با زبان های خود بجز تقرب میجویند و با لبهای خویش مرا تمجید میکنند لکن دل از من دور است... زیرا احکام

مردم را بجای فرایض تسلیم میدهند» آیه ۷۹ بقره و ۷۸ آل عمران و ۷۵ بقره را هم ببینید.

مُنَادِي: منادی اسمی است که انسان صدا میزند تا چیزی به او بگوید: اگر منادی فقط یک اسم باشد آخر آن ضمّه و میگیرد. مثل **یا ادم** در ۳۳ و ۳۵ بقره

اگر منادی مضاف باشد آخر آن فتحه میگیرد. مثل **یا اهل الكتاب**

حال: در فارسی به آن قید حالت میگویند. چون حال شخص یا چیزی را بیان میکند مثل علی خندان آمد. یعنی در حالی که میخیزد آمد. حال در عربی بصورت اسم مشتقی می آید که آخر آن لا **ا** باشد.

- اسم مشتق: اسم های مشتق ۸ نوع است: ۱- اسم فاعل ۲- اسم مفعول ۳- صفت تشبیه ۴- صیغه جالسه
۵- افعال تفضیل ۶- اسم آلت ۷ و ۸- اسم مکان و اسم زمان

آیه ۲۸ تا ۳۹ بقره را ترجمه کنید.

آشنائی با قرآن ۳۲

الم فاعل زید مطابق آنچه

انجیل از نظر قرآن، خداوند در آیه ۴۶ مائده سوره ۵ میفرماید:

فَقِينَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بَعِثْنَا ابْنَ مَرْيَمَ، مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ؛

تعالیست
قصینا به = همی آوردیم

دجال اسماعیلی ابن مریم را فرستادیم که مصدق توراتی بود که قبل از او بود؛

وَإِنَّا لَهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ؛

و به او انجیل را دادیم. در انجیل هدایت و نور وجود دارد،

و مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ، وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ.

و مصدق توراتی بود که قبل از آن بود. و هدایت و موعظه ای برای افراد باتقوی است.

مسلمان واقعی تسلیم نظر خداوند است و کاری به این ندارد که این آیه به کوشش بسیاری از افرادی که ادعای سماوی میکنند خورده است یا نه. مسلمان واقعی

همانطور که معتقد است در تورات هدایت و نور وجود دارد معتقد است که در انجیل هدایت و نور وجود دارد و انجیل عیسی مسیح مصدق یعنی تصدیق کننده تورات

بودند. چون عیسی مسیح در شماره ۱۷ تا ۱۹ باب پنجم انجیل متی میفرماید: کتان ببرد که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم یا نه ام باطل کنم بلکه تمام کنم.

زیرا بر آینه نشانی میگویم: ما آسمان و زمین زایل نشود بهر ای یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود پس هر که یکی از این حکام کوچکترین را بشکند و به مردم

چنین تعظیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که بعمل آورد و تعظیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.

عیسی واقعی: خداوند در آیه ۴۷ مائده سوره ۵ میفرماید:

وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ. وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَاسِفُونَ.

باید مسیحیان مطابق آنچه الله در انجیل مازل کرده حکم کنند. مسیحیانی که مطابق آنچه الله مازل کرده حکم نکنند فاسقند.

فاسق کسی است که از دستور خداوند اطاعت نمیکنند. کسی که مطابق حکم و نظر خداوند حکم نکنند و نظر ندهند فاسق هستند. یعنی از اطاعت خداوند خارج شده اند.

عیسی مسیح در شماره ۲۴ باب ۱۴ انجیل متی میفرماید: «آنکه مرا محبت نماید کلام مرا حفظ میکند. و کلامی که میشنوید از من نیست بلكه از پدری است که مرا فرستاد.»

اسم مکان و زمان: اسم مکان و رسم زمان بروزن **مَفْعَلٌ** یا **مَفْعِلٌ** می آید مثل مسجد محل سید کریم و مجلس محل نشین یا مشهد محل شهادت و معبد محل عبادت جمع آن بروزن **مَفَاعِلٌ** می آید مثل مساجد، مجالس، مشاهد، معابد
 بیتاذا قرآن «ة» در کتابش مدرسه (مدرسه) که جمع آن مدارس است.

أَفْعَلٌ تَفْضِيلٌ: افعل تفضیل صفت تفضیلی یا صفت عالی فارسی است که علامت آن «قر» و «ترین» است مثل «بزرگتر» و «بزرگترین»
 افعل تفضیل بروزن **أَفْعَلٌ** می آید مثل **الْبُرُّ** بزرگتر **أَصْغَرُ** کوچکتر **أَعْلَمُ** داناتر **الْقَيُّ** که **الْقَيُّ** میشود مونث آن بروزن **فَعْلَى** می آید مثل **كُبْرَى** بزرگتر **صُغْرَى** کوچکتر
 حالا معنی کنید:

مَثَابٌ (قراب)	مَادَوِي (از پناه بردن)	أُخْرَى	أُخْرَى (دیگر)
أَحْرَصُ	مُجْتَمِعٌ	مَجَالِسٌ	مَثَوِي (آهت)
مُحَضَّرٌ	مُحَشَّرٌ	حُسِّي	أَحْسَنُ
مَحَلَّةٌ	أَحْكَمُ	أَحَقُّ	مَحْفَظَةٌ
مَدْخَلٌ	مُخْرَجٌ	مُحْصِنٌ	أَحْمَدٌ
أَخْفَى	أَخْفٌ	أَخْشَبِينُ	مُخْرَنٌ
دُنْيَا	أَدْنَى	مَكْتَبٌ	مَدْرَسَةٌ
مَذَاقٌ	مَذْهَبٌ	أَذَلُّ	مَذْجٌ
مَرَدٌ	مَرْجِعٌ	مَرْصَدٌ	مَنْظَرٌ
مَرَاضِعٌ	أَرْشَدٌ	أَمْرٌ	أَخْلَى
أَهْلٌ	مَرَاتِعٌ	مَرَاتِعٌ	مَرَاضِعٌ

حذع
حصص =

مرصع = جایی
مرادون
در راه

فارسی ← مرجع
عربی ← ارشد

آشنائی قرآن ۳۳

عدالت بالاتراز علاقه ها:

حَامٌّ بِهِ = بر ما درستی

خداوند در آیه ۱۳۵ نساء سوره ۴ قرآن میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ تَوَاقَمْتُمْ بِالْقِسْطِ، شُهِدَاءَ لِلَّهِ،

ای افراد با ایمان عدالت را برپا دارید برای الله شهادت بدهید،

وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ.

اگر چه بر ضرر خودتان یا پدر و مادر و نزدیکان باشد.

دیدیم که خداوند میفرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ «محققاً میفرمایم که... فرستادیم... برای اینکه مردم عادل باشند و عدالت را

برپا دارند» اما خود پرستان بابت خود فروشان مردم را از این هدف منحرف کردند و «آنها را با یک سینه افکار مست و واهی و بی اثر مگر کم کردند» بطوری که افراد دیندار

یا عرق مسأل جزئی که در دین الهی نداشتند یا در تاریخ گذشته و زندگی گذشته گمان غرق شدند و درباره چیزهایی به بحث و تحقیق پرداختند که اثری از آنها در کتاب

الهی نمی بینیم. و از سخن دنیائی که در آن مردم عادل باشند و حقی از هیچکس و هیچ دستهای یا میل نشود و اثری از ظلم و تبعیض بسیار جامعه نباشد غافل ماندند.

می بینیم که در این آیه خداوند صریحاً به افراد با ایمان که مسلمان واقعی و تسلیم حکم و نظر خداوند هستند میفرماید: شهادتتان برای خدا باشد و عمل و بجز دین یا پدر و

مادران یا خویشان و نزدیکان شما را از عدالت منحرف نکنند. چون تا وقتی مردم حق و عدالت را بالاتراز تمام دوستی و دشمنی ندانند عدالت فقط یک کلمه زیبا و

دست راستی در سخنان در کتابها و در قوانین خواهد بود که افراد برای خود نمائی و فریب دیگران بکار ببرند. میدانیم که حُبِّ ذات یعنی «دوست داشتن و عمل به خود»

یا خودخواهی و خود دوستی، در جوهر کلیه موجودات زنده موجود دارد. میدانیم که عنکبوت تاری مندا تا شکاری بر دام اندازد و دام حیات دهد و نفس و پشه و هر چه که دیگری که در دام

بافتند تلاش میکند که از دام رها شود و جان خود را نجات دهد و دام حیات دهد و چون خود را دوست دارد... دنبال شکار میداند تا آنها را بداند و شکم خود را پر

کند و دام حیات دهند و خنجر هم از آنها میگذرد تا بتواند دام حیات دهد چون خود را دوست دارند. بهمان خود را بدین بد و ما در خود میداند و باید از مال خود برای

آنها خرج کند با شهادت دروغ از مال و حق دیگران بضع آنها کار کند. خویشان و دوستان نیز مورد عمل و قربان هستند ولی مسلمان واقعی حق و عدالت را بالاتراز تمام دوستی با خود و

اسم آلت، اسم آلت که بر آلت دال است
مِفْعَلٌ وَمِفْعَلَةٌ وَمِفْعَالٌ هِیْ.

آلت یعنی رسیدن و ابزار. دال یعنی دلالت کننده یعنی راهی که نشاندهنده

مثل مِفْطَاحٌ : کلید، بازکننده. آلت و رسیدن و ابزار باز کردن مِلْکَنَسَةٌ : جارو. رسیدن و ابزار رویدن یا رفتن و مِثْمَثٌ : تیش. رسیدن و ابزار تیشیدن

جمع اسم آلت بر وزن مِفْعَالِ هِیْ مثل مِفْطَاحِیْ هِیْ که جمع مِفْطَاحِ هِیْ است. جمع اسم مکان و زمان بر وزن مِفْعَالِ هِیْ مثل مِکَاتِبِیْ وَ مَسَاجِدِ هِیْ. این وزن در کلمه ای که اول آن « و » باشد بر وزن مِفْعَالِ هِیْ آید مثل مِیْعَادِ لِرُؤُوعِهِ وَ مِیْتِاقِ اِزْ دُفُوقِ.

صِیغَه مَبَالِغَه : معنی اسم فاعل را میدهد با ضافه زیادی کار یا صفت و وزن های زیادی دارد مثل رِزَاقٌ بَعْلَامَتَه . صِدِّیقٌ عَلیْمٌ . شَلُورٌ

صفت مشبَهه نشان صفتی دائمی و همیشه ای است و از فعل لازم خفته میشود. اسم فاعلی هم که دارنده صفت همیشه ای نشان در صفت مشبَهه است مثل عَالِمٌ دَانَمَنْدٌ

صفت مشبَهه نیز از وزن زیادی دارد مثل شَرِیفٌ حَسَنٌ . عَالِمٌ شِجَاعٌ . صَعْبٌ .

بنابر این اسم فاعل و صیغه مبالغه و صفت مشبَهه برکننده کار یا دارنده صفتی دلالت میکنند فقط صیغه مبالغه بر زیادی صفت و صفت

مشبَهه بر همیشه ای بودن صفت دلالت میکنند.

معنی کنید:	عَلیْمٌ	کَرِیْمٌ	شَرِیفٌ	کَبِیرٌ	صَغِیرٌ	شَلُورٌ	رُؤُوفٌ
وَرُودٌ	کَلْفُورٌ	حَبُورٌ	مَدْرَسَةٌ	مَلْکَبٌ	مِفْطَاحٌ	مِضْرَابٌ	
مَقْبَرَةٌ	مَسْجِدٌ	سَعْدٌ	کَافِرٌ	شَهِیدٌ	اِحْمٌ	عَفُورٌ	
عَزِیزٌ	عَلیْمٌ	مُحِیطٌ	مَسْمُوعٌ	بَصِیرٌ	خَطِیبٌ	خَالِدٌ	
شَکْرٌ	نَاظِرٌ	مُحِیطٌ	مُحْسِنٌ	اِحْمٌ	نَاصِرٌ	مَسْجُورٌ	
مَلْئُوبٌ	مَسْجُورٌ	عَلامُ العِیُوبِ	رِیَاضٌ وَ دُورٌ	رِزَاقٌ	صِدِّیقٌ	صِدِّیقٌ	

آشنائی با قرآن ۳۴

عدالت بالاتراز دشمنی ها:

خداوند در آیه ۸ مائده سوره ۵ قرآن میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ، شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ؛

ای افراد ایمان راقب اجرای حکام خدا باشید و بعدالت شهادت دهید؛ (از جرم عیاد)

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاكُمُ الْقَوْمِ عَلَى الْإِتْعَادِ لُوا؛

مجرم من = دشمن سازد

و دشمنی بسته ای شمارا به بعدالتی داندازد؛

شَنَان = دشمنی

إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى.

الله = آن که

علی الله = به انکه نه

عادل باشید. چون عدالت تقوی نزدیکتر است.

دیدیم که خداوند میفرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ «بسیار انسان را... فرستادیم... برای اینکه مردم عادل باشند و عدالت را ایجاد کنند» و دیدیم

که میفرماید: كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ... وَ لَوْ عَلَى الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ. «عدالت را برپا دارید... اگرچه بر ضرر خوردگان یا پدر و مادر و نزدیکان باشد.»

یعنی عدالت را بالاتراز تمام عداوت و دوستی با بدارید. در این آیه هم می بینیم که خداوند میفرماید متوجه باشید که «دشمنی با باعث نشود که بعدالتی کنید» یعنی عدالت را

بالاتراز تمام دشمنی با بدارید. چون آن با یا بنظر عداوت یا یا بنظر نفرت یا بعدالتی میگذرد. عداوت بقیع خود پدر و مادر و نزدیکان خود، و نفرت از دشمنان خود. می بینیم که خداوند

در این آیه میفرماید متوجه باشید که دشمنی با شمارا به بعدالتی داندازد و باعث نشود که شما بعدالتی کنید. مسلمان واقعی برای اینکه بتواند این دستور خداوند را اجرا کند باید تمام مردم دنیا

را به این واقعی دعوت کند یعنی سعی کند تمام دنیا را از این جهان بکتاب بی خودی عمل کننده به حرفهای که بنام دین زده شده و زده میشود مطابق دستور خداوند در

آیه ۷ مائده «وَلِيُحْكَمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أُنزِلَ فِيهِ. وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أُنزِلَ اللَّهُ فَادْبِكْهُمْ الْفَاسِقُونَ». «باید عیسویان را به انجیل مطابق آنچه

الله (خداوند) در انجیل نازل کرده حکم کند. کسی که مطابق با انزال الله حکم نکند فاسقند» چون عیسی مرع در شماره ۲۱ باب ۱۴ انجیل یوحنا میفرماید: «هر که حکم مرا دارد و آنهارا

حفظ کند آن است که مرا محبت نماید» و در شماره ۲۰ باب پنجم انجیل متی میفرماید: «ما عدالت شما بر عدالت کتابان و فریسان انزودن نشود هرگز بعلت آسمان اهل نخواهد شد»

معنی کنید و علت اعراب یعنی حرکات حرف آخر کلمات را بیان کنید.

فأقرءوا ما نزل من القرآن

اتبعوا ما انزل اليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه اولياء

من لم يحكم بما انزل الله فأولئك هم الكافرون

افعه يه بدون القرآن

لقد نزلنا القرآن للذكر

لقد ارسلنا رسلكم بالبينات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط
قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئا ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله
لا تقف ما ليس لك به علم

ان تطع اكثر من في الارض يضلك عن سبيل الله ان يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون

ان اريد الا الاصلاح ما استطعت
بسته اي تعجز
في اموالهم من معلوم للرب والمحرور

لا تغربوا في الارض
يا ايها الرسل كلوا من الطيبات واعملوا صالحا

لا يزالون يقاتونكم حتى يردوكم عن دينكم ان استطعوا

انما المؤمنون الذين امنوا بالله ورسوله ثم لم يرتابوا وجاهدوا باموالهم وانفسهم في سبيل الله اولئك هم الصادقون
لا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا

ان الله يحب الذين يقاتون في سبيله كما انهم يقاتون في سبيله

ارع الى سبيل ربك بالحنّة والمعظية الحسنة وجاهد لهم بالتي هي احسن

قل هذه سبيلي ارعوا الى الله على بصيرة انما من اتبعني

ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عدوة كانه ولي حميم

ولكن منكم امة يدعون الى الخير ويامرودن بالمعروف وينهون عن المنكر اولئك هم المفلحون

يطلبون
انتم الله قد دخلت لهما ما كتب لكم ولا تستولن عما كانوا
يطلبون

ان تجنبوا الباطن ما تنهون عنه تكفر عنكم سيئاتكم وندخلكم مدخلا كريما

جمع مؤنث آت

آشنائی با قرآن ۳۵

امر خداوند:

خداوند در آیه ۲۹ اعراف میفرماید:

قُلْ أَمْرِي بِالْقِسْطِ

بلو صاحب اختیار من بعد الت امر کرده

مسلمان واقعی تسلیم امر خداوند خود میباید و سعی میکند که امر خداوند در همه جهان اجرا شود و اثری از ظلم و اجحاف و تبعیض بیجا در جهان باقی نماند.

فرمان خداوند:

خداوند در آیه ۹۰ نحل سوره میفرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ

اللَّهُ بِهِ عَدَالَتٌ وَنِيْلُكَوَارِي أَمْرٌ مِيكُنْدُ

مسلمان واقعی تسلیم امر خداوند میباید و با مال و جان خود کوشش میکند که با بیداری و هوشمندی حق مردم دنیا را حق خود کند که مردم آن عادل و نیکوکار باشند.

سخن مسلمان:

خداوند در آیه ۱۵۲ انعام سوره میفرماید:

إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ

ذی - زو - ذای صاحب
مؤنث امر
مکنه که عنصر باره
یا

وقتی حرفی میزنید عدالت را رعایت کنید اگر چه پای خویش در میان باشد.

مسلمان واقعی وقتی حرفی میزند حق و عدالت را رعایت میکند. چون مسلمان واقعی حق و عدالت را بالاتر از تمام دوستی و دشمنی میداند. چون این فرمان خداوند است.

فضادت مسلمان:

خداوند در آیه ۵۸ نساء سوره میفرماید: (سوره را در قرآن ببینید)

إِذَا حُكِمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ، أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ

خداوند میفرماید: وقتی بین مردم حکم میکنید عدالت حکم کنید.

معنی کنید و علت حرکت حرف آخر کلمات را بیان نماید:

اولئك على هدى من ربهم

اهدنا الصراط المستقيم

ضمير مفضل

الحمد لله رب العالمين

حتم الله على قلوبهم

واولئك هم المفلحون

فزا لهم الله مرضا

في قلوبهم مرض

على ابصارهم غشاوة

اموا كما امن الناس

انهم هم المفسدون

انما نحن مصالحون

ذهب الله بنورهم

فما رحمت بمجادهم

الله يستهزئ بكفرهم

ان كنتم صادقين

ان كنتم في ريب

ان الله على كل شيء قدير

هم فيها خالدون

نشر الذين امنوا وعملوا الصالحات

اعدت للكافرين

يقطعون ما امر الله به

مستعمل

ان الله لا يستعجب ان يضرب مثلا

اني جاعل في الارض خليفة

اذ قال ربك للملائكة

ان الله بكل شيء عليم

اسكن انت ذرؤك الجنة

قال يا ادم اسمع باسمائهم

من تبع هداي فلا خوف عليهم

فقلعي ادم من ربك كلمات

لكن في الارض مستقر

وكنفسون انفسهم

انا امرون الناس بالبر

لا تلونوا اول كافرينه

والقرايوما لا تجزي نفس عن نفس شيئا

افلا تعقلون

ولا هم يتصرون

لا يرخض منها احد

لا يقبل منها شفاعه

اخذتكم الصاعقه

كن تو من لك حتى ترى الله جهره

انتم ظالمون

كلوا واشربوا من رزق الله

كلوا انفسهم يطعمون

كلوا من لطيبات ما رزقناكم

ويقتلون النبيين بغير الحق

ذلك بانهم كانوا يلفدون بايات الله

آشنائی با قرآن ۳۶

حقوق انسان ها:

عدالت یعنی رعایت تمام حقوق تمام انسان ها.
 هر آنی غنی دارد جان دمال دناموس و آراش قدر و حیثیتش در امان باشد.
 نگاه بی آمار آوارگان جهان نشان میدهد تا چه اندازه حقوق انسان با محترم می باشد!!

حق حیات:

خداوند در آیه ۳۳ امرأه سوره ۱۷ میفرماید:

لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ

«کسی را که الله جانش را محترم داشته نگشاید، مگر آنقدری که او را کشتن باشد.»

خداوند در آیه ۳۲ مائده سوره ۵ میفرماید:

از بین رفتن احترام جان:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ، فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا

«کسی که آن بی را کشته بدون اینکه ادبانی را کشته باشد یا مرتکب فساد در زمین شده باشد مثل این است که همه مردم را کشته.»

جزاء قاتل:

خداوند در آیه ۹۳ سوره نساء سوره ۴ میفرماید:

مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مَعْتَدًا فِجْزَاءَهُ جَهَنَّمَ

«جزاء کسی که مؤمنی را عمدتاً بکشد جهنم است.»

«... أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ،»

جان در مقابل جان،

آیه ۴۵

سوره مائده

در جامعه اسلامی جان انسان؟ در امان است هیچکس نمیتواند کشت مگر آنقدری که کسی را کشته باشد یا مرتکب فساد شده باشد چون «فساد از آدمکش بدتر است»

تورات و قتل:

شماره ۱۴ (باب ۲۰ خروج و شماره ۱۷ باب ۵ تثلیث میفرماید:

خدا انکلم فرموده همدر این کلمات را بگفت:

«... قتل مکن...»

مجازات قتل در تورات:

شماره ۱۴ (باب ۲۱ خروج میفرماید:

« اگر شخصی عدا بر هم نبیند خود آید تا او را بکشد، آنگاه او را از زندیج من کشیده بقتل برسان.»

سفر (کتاب خروج و سفر تثلیث کتاب دوم و پنجم از کتاب عهد عتیق است و در پنج جایی بوده که حیوان در آن ذبح میشده و جایی مقدسی بوده است.

انجیل و قتل

عیسی مسیح در شماره ۱۸ باب ۱۹ انجیل متی در جواب کسی که از او پرسید: «چه عمل نیکی کنم تا حیات جاودانی یابم؟» میفرماید:

« قتل مکن. زنا مکن. شهادت دروغ نده. پدر و مادر خود را حرامت دار. دهم به خود را مثل نفس خود دوست دار.»

مجازات قتل در انجیل:

مجازات قتل در انجیل همان مجازات قاتل در تورات است. چون عیسی مسیح در شماره ۱۷ باب ۵ انجیل متی میفرماید:

« گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم، نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم.»

« هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود.» ۱۹: ۱۹ متی

یعنی هر کسی یکی از کوچکترین احکام تورات را بشکند در ملکوت آسمان (بهشت) کمترین شمرده شود (یعنی حساب میشود). عیسی نیامده تا احکام تورات را نسخ کند

بلکه آمده تا مردم احکام تورات را عمل کنند. احکام افراد بشری را که بنام شیخ نامیده میشوند. چون در شماره ۳ و ۹ و ۱۳ باب ۱۵ انجیل متی میفرماید:

« شما با نظیر خود (از مشیخ) از حکم خدا جدا نخواهید می کنید؟ » « اشعیا درباره شما میگوید که گفته است: ... پس عبادت مرا عجب میکنند زیرا احکام مردم را بمنزله

فرائض تعلیم میدهند. » « هر زمانی که پدر آسمانی من نگاه داشته باید کرده شود. » می بینیم که مبارزه او با احکامی است که شیخ یهودیکامی حکام خداوند وضع کرده اند.

آشنائی با قرآن ۳۷

زنا:

یکی از حقوق زنان این است که ناموس آنها در امان باشد.

دلی تا سفینه، بندگان پول و شهرت در سر آمد دنیا سعی میکنند از زنان بصورت کالای شهری استفاده شود.

دلی خداوند در آیه ۳۳ اسراء سوره ۱۷ میفرماید:

لَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهَا كَانَتْ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا

« به زنا نزدیک نشوید. چون زنا کاری زشت و بد راهی است. »

مجازات زنا در قرآن ۱۰۰ تازیانه است. چون خداوند در آیه ۲ نور سوره ۲۴ میفرماید:

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ

جَلْدٌ = تازیانه / زانی = مرد زنا کار

سَاءٌ = بد

« به هر کدام از زن و مرد زنا کار ۱۰۰ تازیانه (شلاق) بزنید. »

زن زنا کار

در شماره ۱۴ باب ۲۰ خروج شماره ۱۸ باب ۵ تفسیر آمده است.

زنا در قورات:

« قتل مکن. »

زنا در نجس نمی شده است و باز زنا کار نباید معاشرت کند و غذا نخورد و زنا کار و ارت مکتوب خدا نمی شود.

زنا در انجیل:

چون عیسی مسیح در شماره ۱۹ باب ۱۹ انجیل متی میفرماید:

« قتل مکن. زنا مکن. زدی مکن. شهادت دروغ نده. پدر و مادر خود را حرامت دارد و همای خود را مثل نفس خود دوست دارد. »

دل پولیس (در شماره ۱۱) باب ۵ شماره ۱۰۹ باب ۱۰۹ سوره اول خود بر تیان بنویسد:

« اگر کسی که برادر نامیده میشود زانی یا طماع یا بت پرست یا فحاش یا میگسار یا تنگبر باشد با چنین شخصی معاشرت کنید بلکه غذا هم نخورید. »

« فریب نخورید. زیرا فاسقان و بت پرستان و زانیان و مقنن و لواط

و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و تنگبران و ارت مکتوب خدا نخواهند شد. »

مجازات زنا در تورات:

در شماره ۱۲ باب ۲۲ تنبیه تا ۲۹ آن آمده است.

«اگر کسی برای خود زنی گیرد چون به او در آید ادا کرده دارد و در باب حرف بد و نسبت داده... و گوید... او را با کوه میافتم... اگر این سخن راست باشد... آنگاه دفتر را نزد در خانه پدرش ببرد آن آوردند اهل شهرش او را با سنگ سنگ و خاکی میمالیدند... اگر مردی یافت خود که با زن شهرواری هم بستری شده باشد پس هر دو یعنی مردی که با زن خوابیده است و زن کشته شوند... اگر دختر با کوه ای به مردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته با او هم بستری شود پس هر دو یعنی آن زن را نزد دروازه شهر ببرد آن آورده ایشان را با سنگها سنگ و خاکی میمالیدند... اما اگر آن مرد دیگری نامزد را در صحرا یا بدو آن مرد به او زور آورده با او بخوابد پس آن مرد که با او خوابیده تنها کشته شود... اگر مردی دختر با کوه ای را که نامزد نباشد یا بدو او گرفته با او هم بستری شود و گرفتار شوند آنگاه آن مرد که با او خوابیده است پنجاه مثقال نقره به پدر دختر بدو آنی و دختر زن او باشد... چونکه او را از لیل خفته است تمامی عمرش بخشنده او را بگذرد.»

مجازات زنا در انجیل:

در شماره ۳ تا ۱۱ باب هشتم پوختا آمده است:

کاتبان و فریسیان زنی را که در زنا گرفته شده بود پیش او آوردند او را در میان پرمار نشسته بد گفتند: ای استاد این زن در عین عمل زنا گرفته شد. موسی به ما حکم کرده است که چنین زنی را سنگ بزنند. اما تو چه میگوئی؟ در این را از روی اطمینان به او گفتند تا ادعائی بر او پیدا کنند. اما عیسی سر بریزانگنده به انگشت خود بر روی زمین مینوشت. چون در سؤال کردن اِلحاح میکردند راست شده بدیشان گفت: هر که از شما گناه ندارد اول بر او سنگ اندازد. و باز سر بریزانگنده بر زمین مینوشت. پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شده از مشایخ شروع کرده تا با خرمیک یک بیرون رفتند و عیسی تنها باقی ماند با آن زن که در میان پهناده بود. پس عیسی راست شد و غیر از زن کسی را ندید. بدگفت ای زن مدعیان تو کجا شدند؟ آیا هیچکس بر تو فتوی ندارد؟ گفت هیچکس ای آقا. عیسی گفت من هم بر تو فتوی نمیدهم برود دیگر نماند مکن. ۱۱

می بینیم که حکم سنگ را در تورات است در قرآن مجازات زنا با زدن بود دارد. ولی امروزه نه در اسرائیل نه در هیچیک از کشورهای مسیحی حکم سنگ زنا کار اجرا نمیشود اما نظرد حکم زنا با زدن به زنا کار در کشورهای اسلامی اجرا نمیشود. همانطور که میدانیم بیشتر فقیمائی که امروزه تهیه میشود روی کس و خشونت و جنایت در میزنند یعنی برای اینکه در تربیت انسان آموزش باشد به تحریک آن با پیرازد. اما عقل مسلم حکم نمیکند که تمام دیدار آن را اصلاح طلبان جهان برای تکلیف خانوادگی با هم متحد شوند.

حق مالی:

یکی از حقوق بنان، حق مالی است. باید مال بنان، از تکاور مضمون باشد.
ولی این حق در تمام دنیا توسط فریبکاران و قدرتمندان باطل میشود.

خداوند در آیه ۱۸۸ بقره سوره ۲ میفرماید:

لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ

مال یکدیگر را میان خود باطل (بناحق) نخورید.

وَتَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ

و آن را پیش حکومتها (قاضی) بدهید تا مقدارى از مال مردم را به گناه بخورید.

در این آیه می بینیم که در جمیع بشری افراد پستی وجود دارند که مال دیگران را بناحق میخورند و چشم به مال دیگران دوخته اند و سعی میکنند با طرح و کج ادبش قاضی و بناظر بی اطلاع از جعل دبی اطلاع می قاضی و گرفتار یک دلیل زبردست در دگر مال دیگران را بخورند و از رشوه دادن و استخدام یک دلیل زبردست تر می نمایند. خداوند مسلمانان را از اینکار منع میکند. و یک فرد واقعاً مسلمان که تسلیم حکم خداوند است و از میری از حکم خدا و روز قیامت میترسد چنین کاری نمیکند.

خداوند در آیه ۲۸۲ بقره درباره قرض میفرماید:

إِذَا دَرَأْتُمْ بَدُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاَلْتَبِرُوا...

باب تفاعل

سَمَّ = ناراحت شده

دقتی برای مدت معینی قرض بهم داده آن را بنویسید.

وَلَا تَسْمُوا أَنْ يَلْتَبِرَ سَعِيرًا أَوْ كَيْفًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ فَسَمٌّ عِنْدَ اللَّهِ

و از نوشتن آن چه کم باشد چه زیاد برای مدت قرض ناراحت نشوید. اینکار پیش خدا عمارت است.

(ب - به سوی - کا) (ال - الی =)

أَجَل = مدت

اسم گذاشته شده

مسطح عارلاند

می بینیم که خداوند تو میبرد مقدار قرض و مدت آن را چه کم باشد چه زیاد بنویسید و از نوشتن آن ناراحت نباشید چون از خدات بعدی جگه گیری میکند چون آن را فراموش نمیکند.

آشنائی با قرآن ۳۹

لَمَّا عِبَ جُؤْ

آرامش فکر و خیال:

خداوند در آیه ۱۱۱ احزاب سوره ۴۹ میفرماید:

لَا يَسْتَعْرِضُونَ مِنْ قَوْمٍ... وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ...

دسته ای کشته دیگر را مسخره نکنند... و از هم عیبجویی نکنید. و لقب زشت به هم ندهید.

اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ. إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِمٌّ وَلَا تَحْسَسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا

از بسیاری از گمان خودداری کنید چون بعضی از گمان کاذب است.

و تجسس نکنید. و بعضی از شما از بعضی غیبت نکنند.

می بینیم که در این دو آیه خداوند مسلمانان را از عیب کاری منع کرده: ۱- مسخره کردن دیگران. ۲- دنبال عیوب دیگران گشتن. ۳- لقب زشت به هم

دادن. ۴- بدگمانی نسبت به هم. ۵- تجسس در کارهای خصوصی هم کردن. ۶- غیبت.

غیبت یعنی در غیاب کسی عیب او را فتن و از او بدگویی کردن. عیبی که در او وجود دارد و دیگران نمی بینند و از آن اطلاع می ندارند. اگر عیبی که ندارد

به ادبیت بدهند تهمت نامیده میشود. تهمت دروغی است که شخص سر هم کرده و بهم بافته است. تحقیق زیاد ولی غیبت بیان حقیقی است که نباید گفته شود.

دیدیم که دین بخوابد نیای پاک با زرد که در آن اثری از ظلم فساد و فقر و جهل و ضرر شدن شخصیت آن نباشد و دیدیم که قدرتمندان و جیره خواران

و فریب خورگان آنها همیشه در طول تاریخ متقابل میگردانیدند و یکبار پستان در همین دو واقعی می استاندند و جنگی واقعی چه تنها و چه آشکار با آنها داشتند. این قدرتمندان

عبارت بودند از حکومت (فرعون)، درباریان (ملک)، ثروتمندان (قارون)، روحانیون مدافع دین غلط و رایج زمان (اهل در جهان)

و این مبارزه بصورت (یکادنگ و تردید، تحقیر، تهدید، آزار و شکنجه، قتل یکبار پستان بدقی، جنگ واقعی و درجه، در صورت شکست بصورت تحریف دین

یعنی تغییر معنی لغات و تفسیر آن بر خلاف لفظ صریح آن و معنی روشن آن صورت میگرفت و میگردانیدند و از آن واقعی به کتاب دینی خود ایمان می آوردند و آن را نخواندند

نقصدند دنبال اجرای آن نروند و دیگران را با حقیقت دین که سخن یک دینی است آشنا نکنند این جنگ وجود خواهد داشت.

مسلمانان واقعی یعنی کسانی که واقعا تسلیم حکم و نظر خدا هستند باید قرآن را بخوانند و در آیات قرآن و تفسیر و تفسیر آن تدبر داشته باشند چون خداوند فرموده است: «وَأَقْرَأُوا الْقُرْآنَ وَمَنْ أَلَّامَهُمْ بِهِ مِنْ نَحْوِ مَا أُلِّمْتُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (سوره بقره ۱۷۷) «فراخوانند قرآن را و آن را از آنچه شما را آموختند به آن آموختند تا بترسند»

«آیا در آیات قرآن اندیشه تدبر میکنند؟!» پس از فهمیدن خداوند و الاهی دین و درک این جنبه دائمی آشکار و نهان باید با جان و مال خود در راه این مبارزه

حق باطل: اتفاق مکنید بفرمان خود و اصلاح طلبان واقعی شده چون توفی اهلین مبارزه کنید چون خداوند فرموده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنَجْتَنِبُكَ يَا إِبْرَاهِيمَ» (سوره بقره ۱۲۵) «ما را از تو دور گردانیم ای ابراهیم»

استند که به الله پیغمبرش ایمان آوردند و با مال و جان از راه الله (یعنی خشنی دنیای پاک) جهاد کردند چنین افرادی راست میگویند «در راههای خود صاف قدم

ایمان دارند. قرآن در آیه ۴ صف سوره ۶ میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بَطِينٌ مَرْصُوقٌ» «الله کسی را که

بیکار و مشکل (صف سببه) چون توفی اهلین (دنیای تهوار) در راه او (خشنی دنیای پاک) میبکشد دوست دارد» لذا از تفرقه و جدایی فکری نماند چون الله

در آیه ۱۰ آل عمران میفرماید: «لَا تَلُونَا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا» «شما مثل کسی که در جهاد تفرقه و اختلاف شدند نباشید» برای اینکه همه باید در قرآن جمع شوند

چون آیه ۳ آل عمران میفرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» «همگی به رشته الله (خدا) (یعنی قرآن) چسبید و جدا تفرقه نشوید» چون وقتی همه

اینگار را کردند نکات بهم آن هم در راه خشنی دنیای پاک برای افرادی که اشتباه کرده اند روشن میشود و توفی خدایان و نظرهای او را بدست میآوردند

مسلمانان در دعای خود از خداوند میخواهند که کینه ای از مسلمانان درشان قرار ندهد ۱۰ انطوره آیه ۱۰ حشر سوره ۵۹ میفرماید: «يَقُولُونَ يَا رَبَّنَا اغْفِرْ

لَنَا وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا» «افراد با ایمان میگویند: «صبر اختیار ما و برادرانمان را در قبل از ما ایمان

آوردند یا مرز و در دل ما کینه نیست به افراد با ایمان (مسلمانان) قرار نده» دستخورد و مجبوری و لقب ازشت به هم دادن و بدگمانی و تحقیر در کارهای خصوصی افراد

عینیت از این کتاب جلوگیری میکند چون باعث لجبوری و کینه و کینه جوئی میشود لذا مسلمانان واقعی از اینکار اجتناب میکنند و مردم را با حکمت و بصیرت به

راه خداوند دعوت میکنند چون قرآن در آیه ۱۲۵ نحل میفرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» «مسلمانان مطابق آیه ۶۰ انفال سوره ۸

باید نوری لازم را برای این مبارزه دائمی فراهم کنند و باید از تمام وسائل ارتباط جمعی از قبیل روزنامه، مجله، کتاب، رادیو، تلویزیون، اینترنت، کامپیوتر، فیلمها، کتب

آشنائی با قرآن ۱۰

آرامش خیال:

جمع = شویید

خداوند در آیه ۵ سوره بقره ۴۹ میفرماید:

إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِمِثْلِهَا لَقَدْ صَبَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلَمْتُ نَادِمِينَ
اگر فاسق خبری برای شما آورد اول درستی آن را معلوم کنید تا مبادا از روی نادانی مصیبتی به قومی وارد کنید،

و بعد از کاری که کرده اید پشیمان نشوید.

فاسق کسی است که دستور خداوند را اجرا نمیکند. در اسلام حکم خداوند است که ندانسته چیزی ننویسند حتی بسیاری از چیزهایی که میدانند حق ندارد بگویند.

در مثل زمانی دروغی اگر عیاش به ندیده باشد حق ندارد بنویسد (علی علیه السلام در وصیت سفارش نمود با ما حسن ع در نامه ۳۱ نهج البلاغه میفرماید:

لَا تَصِلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَإِنْ قُلْتَ مَا تَعْلَمُ «آنچه نمیدانی نگو. اگر چه چیزی را می دانی که نمیدانی بگو باشد» در سخن کوتاه حکمت ۳۷۴ یا ۳۸۲ نهج البلاغه میفرماید:

لَا تَصِلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَلَا تَصِلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ «آنچه نمیدانی نگو. و تمام چیزی را که میداننی نگو» چون حرف های ناگفتنی که آن میدانند زیاد است.

دلی میدانیم که افرادی شخصیتی که برای ابراز وجود و اظهار فضل هر چه را از دیگران شنیدند و هر چه بنظرشان آمد بدون کوچکترین شرم و حیای بازگو میکنند. خداوند

در این آیه دستور میدهد از چنین افرادی بر حذر باشید. چون چنین افرادی درآمدی در دنیای دینی دروغ میگویند در جامعه های بشری زیادند.

بازگو کردن شایعات:

قرآن در آیه ۱۵ نور میفرماید:

إِذْ تَقُولُ بِاللَّيْلِ كَلِمَاتٍ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ، وَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ،
وَحَسْبُوهَا هِينًا، وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

هون = ناچیز

وقتی شبانی شایعه را از هم میگیرید و چیزی را بازگو میکنید که از درستی آن اطلاع ندارید.

فکر میکنید کار ساده ای است، در صورتیکه پیش الله گناه بزرگی است.

تاسف آنست که بی ایمانی یا بی اطلاعی از فرمان و نظر خداوند می بینیم که بسیاری از افراد اینکار را میکنند تا خود را مطلع از کلیه امور قلمداد کنند. در صورتیکه

نوبه ندارند با اینکه جاهلان و خودخوانده خود زندگی را برای یک فردانی در خا نوازه درستان او به یک جهنم تبدیل میکنند و روزگاراوتره میسازند.

مردوری بر گذشته:

ترجمه کنید:

مضارع

ماضی

أَنَا أَقُولُ	أَنَا أَقُولُ	نَحْنُ ذَهَبْنَا	أَنَا ذَهَبْتُ
أَنْتَ تَقُولُ	أَنْتَ تَقُولُ	أَنْتُمْ ذَهَبْتُمْ	أَنْتَ ذَهَبْتَ
هُمْ يَقُولُونَ	هُمْ يَقُولُونَ	هُمْ ذَهَبُوا	هُمْ ذَهَبَ

لَا تَعْبُدُوا	لَا تَعْبُدُوا	لَا تَعْبُدُوا	أَصْبِرُوا	أَصْبِرُوا	أَصْبِرُوا
----------------	----------------	----------------	------------	------------	------------

أَصْلَحُوا	أَصْلَحُوا	أَصْلَحُوا	أَصْلَحُوا	أَصْلَحُوا	أَصْلَحُوا
يُؤْمِنُونَ	يُؤْمِنُونَ	يُؤْمِنُونَ	يُؤْمِنُونَ	يُؤْمِنُونَ	يُؤْمِنُونَ
يُكَلِّمُونَ	يُكَلِّمُونَ	يُكَلِّمُونَ	يُكَلِّمُونَ	يُكَلِّمُونَ	يُكَلِّمُونَ
يَقَاتِلُونَ	يَقَاتِلُونَ	يَقَاتِلُونَ	يَقَاتِلُونَ	يَقَاتِلُونَ	يَقَاتِلُونَ
يَتَشَابَهُونَ	يَتَشَابَهُونَ	يَتَشَابَهُونَ	يَتَشَابَهُونَ	يَتَشَابَهُونَ	يَتَشَابَهُونَ
يَسْتَضْعِفُونَ	يَسْتَضْعِفُونَ	يَسْتَضْعِفُونَ	يَسْتَضْعِفُونَ	يَسْتَضْعِفُونَ	يَسْتَضْعِفُونَ
يَنْقَطِعُونَ	يَنْقَطِعُونَ	يَنْقَطِعُونَ	يَنْقَطِعُونَ	يَنْقَطِعُونَ	يَنْقَطِعُونَ
يَجْتَمِعُونَ	يَجْتَمِعُونَ	يَجْتَمِعُونَ	يَجْتَمِعُونَ	يَجْتَمِعُونَ	يَجْتَمِعُونَ
يُحَدِّثُونَ	يُحَدِّثُونَ	يُحَدِّثُونَ	يُحَدِّثُونَ	يُحَدِّثُونَ	يُحَدِّثُونَ

ترتیب سوره های قرآن ۱۶- حجر ۱۷- امراء ۱۸- کوف ۱۹- بریم ۲۰- طه